

Evaluation of Iran's Criminal Policy in Accepting the Penalty of Free Public Service

Maryam Shamehli*

Ph.D. student of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran.

Farid Mohseni

Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law, University of Judicial Sciences and Administrative Services, Tehran, Iran.

Abstract

The punishment of free public services based on the bill of social punishments instead of prison had found its way into Iran's legal literature; But with the approval of the Islamic Penal Law approved in 2012, it became official. After settling in the legislative system, the next step is to focus on judicial activists and accepting institutions, in order to reform the judicial culture and create executive platforms. On the other hand, the punishment of free public services is applied in the context of society and by using the capacities of civil society, which is a clear symbol of cooperative criminal policy.

After about ten years have passed since the introduction of the free public service penalty into the criminal justice system, this question is raised, to what extent the criminal policies of Iran have performed proportionately with regard to this penalty in the field of criminal justice? In this article, an attempt is made to evaluate the selection model in Iran's criminal law by studying the library and using the opinions issued regarding the penalty of free public services, with a descriptive-analytical method, while examining the types of criminal policy. Also, individual interviews were conducted with the judges of the courts and the execution of the free public service penal sentences and the officials of the receiving institutions in order to use their experiences and identify the practices of this new punishment, which includes 20 active judges in the field of sentencing, 10 judges executing the sentence and 6 The institution is accepting. In community-based punishments, resocialization of the perpetrator through re-establishing social ties is considered as the main goal and reducing the prison population as a secondary goal. This is despite the fact that Iran's criminal policy, regardless of the enforcement aspect of this punishment and the need for trained human resources to monitor and interact with the convicted, has introduced new punishments to replace imprisonment and not as an independent punishment in the criminal justice system. The legislator has not supported the rehabilitation of reformable criminals by limiting the crimes subject to the alternative of imprisonment and by presenting a general model, without determining the role of the judge in verifying the character of the perpetrator. Criminal policy, regardless of restorative justice to reform public opinion and create a culture for social acceptance, has only provided the basis for the use of a limited number of institutions accepting free labor.

Key words: Free Public Service, Criminal Policy, Alternative Punishment to imprisonment, Prison population.

* **Email:** m.shamehli67@gmail.com (Corresponding Author)

فصلنامه علمی دیدگاه‌های حقوق قضائی
مقاله پژوهشی، دوره ۲۹، شماره ۱۰۶، تابستان ۱۴۰۳، صفحات ۴۵ تا ۷۸
تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۳ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۰۵

ارزیابی سیاست جنایی ایران در پذیرش کیفر خدمات عمومی رایگان

مریم شاملی* دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضائی
و خدمات اداری، تهران، ایران.

افرید محسنی| استاد گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق، دانشگاه علوم قضائی و
خدمات اداری، تهران، ایران.

چکیده

کیفر خدمات عمومی رایگان بر پایه لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان به ادبیات حقوقی ایران راه پیدا کرده بود، اما با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ رسمیت یافت. پس از استقرار در نظام قانون‌گذاری، گام بعدی تمرکز بر کنشگران قضائی و نهادهای پذیرنده، به منظور اصلاح فرهنگ قضائی و ایجاد بسترهای اجرایی است. از سوی دیگر، مجازات خدمات عمومی رایگان در بستر اجتماع و با استفاده از ظرفیت‌های جامعه مدنی اعمال می‌شود که نماد بارزی از سیاست جنایی مشارکتی است.

پس از گذشت حدود ده سال از ورود کیفر خدمات عمومی رایگان به نظام عدالت کیفری، این سؤال مطرح است که سیاست‌گذاری‌های جنایی کشور ایران تا چه میزان عملکرد متناسب در خصوص این کیفر در عرصه عدالت کیفری داشته است؟ در این نوشتار سعی بر آن است که با مطالعه کتابخانه‌ای، استفاده از آرای صادره در خصوص کیفر خدمات عمومی رایگان با روش توصیفی - تحلیلی، ضمن بررسی اقسام سیاست جنایی، الگوی انتخابی در حقوق کیفری ایران مورد ارزیابی قرار گیرد. همچنین مصاحبه‌هایی به صورت فردی با قضات محاکم و اجرای احکام کیفر خدمات عمومی رایگان و مسئولان نهادهای پذیرنده به منظور استفاده از تجربیات آن‌ها و

شناسایی موانع اعمال این کیفر نوین انجام شد که شامل ۲۰ نفر از قضات فعال در زمینه صدور حکم، ۱۰ قاضی مجری حکم و ۶ نهادپذیرنده است. در مجازات‌های اجتماع‌محور، بازاجتماعی شدن مرتکب از طریق ایجاد دوباره پیوندهای اجتماعی به‌عنوان هدف اصلی و کاهش جمعیت زندان به‌عنوان هدف تبعی در نظر گرفته شده است. این در حالی است که سیاست جنایی ایران، بدون توجه به جنبه اجرایی این کیفر و ضرورت وجود نیروی انسانی آموزش‌دیده جهت نظارت و تعامل با محکوم، کیفرهای نوینی را برای جایگزینی حبس و نه به‌عنوان کیفر مستقل وارد نظام عدالت کیفری کرده است. قانونگذار با محدود کردن جرائم مشمول جایگزین حبس و با ارائه الگوی کلی، بدون تعیین تکلیف قضائی در احراز شخصیت مرتکب از بازپروری مجرمان اصلاح‌پذیر حمایتی نکرده است. سیاست جنایی بدون توجه به عدالت ترمیمی برای اصلاح افکار عمومی و فرهنگ‌سازی برای پذیرش اجتماعی، تنها زمینه استفاده تعداد محدودی از نهادهای پذیرنده از نیروی کار رایگان را فراهم کرده است.

واژگان کلیدی: خدمات عمومی رایگان، سیاست جنایی، مجازات جایگزین حبس، جمعیت زندان.

مقدمه

سیاست جنایی در دهه ۱۹۸۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰ در دنیا، «جایگزین‌های زندان»^۱ را مطلوب می‌شمرد؛ چه آنکه جامعه عدالت کیفری به دلیل آثار منفی زندان و هزینه‌های مادی و معنوی آن برای دولت‌ها، مخالف ضمانت اجراهای توقیفی شده بود (Liebling & Maruna, 2011: 13). از این رو شاهد تلاش‌های قانونی کشورها در جهت زندان‌زدایی و استفاده از جایگزین‌ها در جهت کاهش جمعیت زندان‌ها بودیم. در این راستا با پشتیبانی سازمان ملل متحد و برخی از سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی همچون «سازمان بین‌المللی اصلاحات کیفری»^۲، به تدریج در طیسه دهه پایانی سده بیستم، واکنش‌های جدیدی با عنوان «کیفرهای اجتماع‌محور»^۳ یا «جایگزین‌های حبس»^۴، وارد زرادخانه کیفری کشورها شد (یکرنگی و ایران‌منش، ۱۳۸۷: ۹۰). کشورهای اسکانداوی، انگلستان، ایالات متحده آمریکا، آلمان و فرانسه را می‌توان از جمله پیشگامان جنبش

-
1. alternatives to imprisonment.
 2. Penal Reform International (PRI).
 3. community based punishment.
 4. alternatives to custody

حبس‌زدایی و حرکت به سمت استفاده از جایگزین‌های حبس دانست (نجفی‌ابرنادآبادی، ۱۳۸۷: ۲). یکی از این جایگزین‌ها کار عام‌المنفعه است که به دنبال نخستین نتایج به‌دست‌آمده از اجرای خدمات عمومی در کنار توسعه مجامع بین‌المللی، موجب تشویق کشورهای مختلف در به‌کارگیری آن، نه تنها به‌عنوان یک جایگزین مجازات زندان، بلکه به‌عنوان مجازاتی مستقل شد. پیش‌بینی جایگزین‌های خاص کیفر حبس در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نو بودن مجازات خدمات عمومی رایگان در سیاست جنایی ایران و تفاوت ساختار حاکمیتی و اجتماعی و به‌خصوص افکار عمومی، فرهنگ و اخلاق حاکم بر کشور ایران، نیازمند بررسی و پژوهش است. هرچند در زمینه مجازات‌های جایگزین حبس و کیفر خدمات عمومی رایگان پژوهش‌های جرم‌شناسی و کیفرشناسی در خصوص توصیف این کیفر، اهداف، چالش‌ها و راهکارهای کاربردی آن صورت گرفته است، لیکن در این مقاله به‌طور تخصصی به ارزیابی و نقد عملکرد ده ساله سیاست جنایی ایران در خصوص کیفر خدمات عمومی رایگان پرداخته شده است.

در این مقاله ابتدا با انتقاد به رویکرد مقنن در پذیرش الگوی جایگزینی به‌منظور کاهش جمعیت کیفری زندانیان، به بررسی کمی و کیفی آرای صادره از محاکم پرداخته و سپس با توجه به مقوله «توسعه شبکه کیفری»^۱ در کیفرهای اجتماع‌محور به ضرورت «نظارت بر اجرای کیفر» و «همراهی و هدایت محکومان» به‌منظور امکان اجرای حکم در این حوزه اشاره شده است؛ موضوعی که صرفاً در متن قانون آمده، اما در عمل به‌علت عدم پیش‌بینی بودجه اختصاصی و عدم حضور نیروهای داوطلب، وجود خارجی ندارد. درنهایت با عنایت به رویکردهای ترمیمی مجازات‌های اجتماعی، مشارکت بزه‌دیده، مجریان کیفر و افراد جامعه را لازم دانسته است.

۱. اقدام مقنن در انتقال کیفر خدمات عمومی رایگان به نظام کیفری

به دنبال انتقاد اصلاح‌طلبان حقوق کیفری از زندان و افزایش جمعیت کیفری در نیمه قرن بیستم، جایگزین‌ها اعم از جایگزین‌های تعقیب یا مجازات، توجه سازمان‌های بین‌المللی و قانون‌گذاران داخلی کشورهایی را که از مشکل تراکم زندان‌ها رنج می‌بردند، جلب کرد. با پذیرش رویکرد افتراقی در واکنش اجتماعی نسبت به مجرمان خطرناک در مقایسه با مجرمان کم‌خطر برای جامعه، استفاده از جایگزین‌های حبس یکی از گرایش‌های رایج نظام کیفری در دهه ۱۹۶۰ میلادی شد

۱.net widening

۲. ماده ۷۷ قانون مجازات اسلامی.

(توجهی و زارع، ۱۳۹۸: ۶). انتخاب وصف مذکور در عنوان فصل نهم از بخش دوم کتاب اول لایحه مجازات اسلامی با عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس» بدون دلیل نبود. مجازات‌های اجتماعی ابتدا در قالب لایحه‌ای مستقل تحت عنوان «لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی» پیشنهاد شد. علاوه بر عنوان انتخابی، لایحه در فرایند تصویب قانون دستخوش تحولاتی شد که در سرنوشت کیفرهای اجتماعی تأثیرگذار بود.

۱-۱. انتخاب الگوی جایگزینی و تبعات آن

تهیه‌کنندگان متن اولیه لایحه قانون مجازات‌های اجتماعی، دیگران را از اطلاق عنوان «مجازات‌های جایگزین زندان» منع کرده معتقد بودند از روح لایحه برمی‌آید که تهیه‌کنندگان آن با اتخاذ عنوان «مجازات‌های اجتماعی» قصد داشته‌اند مجازات زندان را زیر سؤال نبرند و مفهومی منفی نسبت به آن القا نکنند تا مشروعیت کیفر سلب‌کننده آزادی به کلی از بین نرود. همچنین عنوان مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان، ناقص و غیر شامل است و پوشش‌دهنده برخی دیگر از کیفرها مانند شلاق تعزیری که افزون بر زندان، قابل جایگزینی با مجازات‌های مذکور در این لایحه هستند، نیست و ممکن است برای جرائمی که کیفری غیر از حبس دارند نیز صادر شوند (نجفی‌ایرندآبادی، ۱۳۸۶: ۱۱۵). با وجود این، انتخاب عنوان «مجازات‌های جایگزین حبس» برای فصل نهم قانون مجازات اسلامی، بیانگر سیطره الگوی جایگزینی بر آن مجازات‌هاست. تضمین شدن مجازات‌های اجتماع‌محور از قبیل خدمات عمومی رایگان، به واسطه مجازات اصلی (حبس)، شاهدی دیگر بر حاکم بودن الگوی جایگزینی بر نهادهای گفته‌شده در سیاست جنایی ایران است.^۱ در الگوی جایگزینی، مجازات‌های پیش‌بینی‌شده به‌عنوان مابه‌ازای جرم نیستند و قانونگذار در زمان وضع مواد قانونی، ارتکاب جرم را مستوجب این مجازات‌ها ندانسته، بلکه بر اساس مقررۀ دیگر، دسته‌ای از جرائم که مجازات قانونی آن‌ها مجازات حبس است، مشمول مجازات جایگزین کند که یا قاضی را در تعیین مجازات جایگزین حبس به جای حبس ملزم کند و یا اختیار انتخاب بین مجازات حبس و مجازات جایگزین آن را در اختیار قاضی قرار دهد (شمس‌ناتری و ریاحی، ۱۳۹۱: ۲۰۰). در مقابل الگوی مستقل، پاسخ‌های کیفری را به‌عنوان ابزاری مستقل در نظر می‌گیرد، که هدف‌های خاص خود را دارند. انتخاب عنوان یادشده بر مجازات‌های اجتماع‌محور در بدو تأسیس با هدف رهایی از تراکم جمعیت کیفری، موجب تغییر

۱. مواد ۷۰ و ۸۱ قانون مجازات اسلامی.

ماهیت کیفرهای نوین شد. مجازات‌های نوینی که با دغدغه اصلاح و بازپروری محکوم و فراهم کردن زمینه‌های اجرای عدالت ترمیمی تأسیس شده بود، مسلماً نمی‌توانست به جای حبس نقش آفرینی کند.

۱-۱-۱. مقایسه با کیفر حبس از نظر شدت

انتخاب عنوان «مجازات جایگزین حبس» برای مجازات‌های اجتماعی به‌طور ناخواسته این مفهوم را به ذهن متبادر می‌سازد که این کیفرهای نوین از نظر میزان شدت و رنجی که به محکوم تحمیل می‌کنند با کیفر حبس همانند باشند، اما معایب کیفر حبس را نداشته باشند. در حالی که کیفرهای اجتماعی از نظر تبیهی پایین‌تر از حبس است و هدف بازدارندگی این کیفرها غلبه دارد. تحمیل عنوان جایگزینی حبس برای مجازات‌های اجتماعی، ذهنیت اعطای تخفیف و عدم اجرای مجازات را تقویت می‌کند. تصور ذکرشده موجب می‌شود، قضات بعد از تصمیم به صدور مجازات‌های جایگزین، قائل به تخفیف برای محکوم نباشند و مجازات‌های اجتماعی را به میزان حداکثر و بیش از توان محکوم قرار دهند. برای نمونه در دادنامه‌ای با عنوان جرم «مزاحمت تلفنی» موضوع ماده ۶۴۱ ق.م.ا و مرتکب فاقد سابقه کیفری، قاضی صادرکننده در مرحله بدوی به حداکثر مجازات قانونی درخصوص کیفر حبس جرم مذکور حکم داده و سپس در مرحله واخواهی از دادنامه ذکرشده، قاضی محترم با احراز شرایط ماده ۶۴ ق.م.ا، حبس تعزیری تعیین شده برای محکوم را به خدمات عمومی رایگان به میزان حداکثر ساعت تعیین شده (۵۴۰ ساعت خدمات عمومی رایگان از نوع نظافت معابر عمومی در میدان امام حسین (ع) شهرستان بناب با لباس کارگران زحمتکش شهرداری) تبدیل کرده است.^۱ در این دادنامه علاوه بر عدم تناسب جرم ارتكابی با نوع خدمت عمومی رایگان تعیین شده، تعداد ساعت تعیین شده برای جرم ارتكابی برای جوان بدون سابقه کیفری خلاف انصاف است، در حالی که انتخاب مجازات اجتماعی برای محکوم اصلاح‌پذیر و غیرخطرناک مصداق اجرای عدالت است. با سخت کردن مجازات‌های اجتماعی، محکوم، کیفر تعیین شده را شدیدتر از عدالت دانسته و فرایند نقض کیفر تعیین شده و یا تخلف از دستورات ضمن اجرای حکم پیش می‌آید که پس از صرف وقت بسیار، نتیجه‌ای جز تحمیل کیفر حبس ندارد. سیاست حبس‌زدایی که نتیجه حبس‌گرایی دارد و در تحقق اهدافش وارونه عمل می‌کند. مقایسه کیفر خدمات عمومی رایگان با کیفر حبس تنها به شدت آن محدود نمی‌شود، بلکه

۱. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۴۱۳۹۱۰۰۵۶۰، مورخ ۱۳۹۶/۱۲/۲۶، شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان بناب.

از نظر سرعت نیز قابل رقابت نیست. مجازات خدمات عمومی رایگان به‌عنوان مجازاتی مستقل که دغدغه بازا اجتماعی شدن مرتکب را دارد، فقط در صورت فرصت کافی قضائی رسیدگی‌کننده در انتخاب خدمت متناسب و پیش‌بینی شعبه مستقل برای اجرای کیفر خدمات عمومی عملی خواهد شد تا ضمن هماهنگی و ارتباط با نهادهای پذیرنده و جامعه محلی امکان نظارت بر اجرای خدمت در طول زمان مقرر فراهم باشد.

۱-۱-۲. عدم توجه به شخصیت مرتکب

در نظام حقوقی ایران قسمت اخیر ماده ۱۸ قانون مجازات اسلامی، اصول کلی ناظر بر تعیین کیفر در احکام تعزیری را بیان کرده است. به موجب این ماده:

دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می‌دهد: الف - انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم؛ ب - شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیان‌بار آن؛ پ - اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم؛ ت - سوابق و وضعیت، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی.

ملاک‌های گفته‌شده و تأکید قانونگذار بر توجه به شخصیت مرتکب در تعیین کیفر به جای جرم، نمونه‌ای از اولویت دادن قانونگذار به تحقق اهداف بازپرورانه کیفر به جای سرکوبی و کیفررسانی صرف بوده است. ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی و ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز، با اشاره به تناسب مجازات با شخصیت و شرایط بزهکار، گامی مفید در راستای فردی کردن مجازات برداشته است. اما انتخاب الگوی جایگزینی برای مجازات‌های اجتماعی، به محدودیت شمول آن بر جرائم و مجرمان منجر است (Brownlee, 1998: 26). قانون مجازات اسلامی با تعیین شرایط^۱ و گسترش قلمرو استثنائات^۲ تنها تعداد محدودی از جرائم مستوجب حبس و مرتکبان آن را مشمول مجازات‌های جایگزین حبس قرار داده است. اگر قرار باشد به موجب قانون، ممنوعیت اعمال مجازات‌های جایگزین حبس در خصوص جرائم امنیتی تنها براساس عنوان مجرمانه و بدون توجه به شخصیت مجرم باشد، وضعیت افراد اصلاح‌پذیری که در جریان اعتراضات و یا اغتشاشات سال ۱۴۰۱، تحت تأثیر هیجانانگیز فضای مجازی و تحریک از سوی افراد سازمان‌یافته در خیابان‌ها حاضر شده بودند چه خواهد شد؟ صرف

۱. ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی.

۲. مواد ۶۶ و ۶۷ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ قانون مجازات اسلامی.

ممنوعیت اعمال مجازات‌های جایگزین حبس به لحاظ احراز تعدد جرم و بدون بررسی شخصیت بزهکاران از لحاظ اصلاح‌پذیری شایسته است؟ محدود شدن دامنه اعمال مجازات‌های جایگزین حبس، نه تنها با هدف اصلاح و بازپروری مجرمان اصلاح‌پذیر در تعارض است، بلکه در راستای تحقق هدف کاهش جمعیت کیفری زندانبانان، نتیجه عکس خواهد داشت و تنها تعداد محدودی از جرائم و مجرمان مشمول مجازات‌های حبس را دربرمی‌گیرد. نکته قابل تأمل آن است که صرف ارائه الگوی کلی کافی نیست، بلکه باید از یک سو به طور صریح و دقیق تکلیف قاضی صادرکننده در چگونگی احراز ملاک‌های قانونی و بستر اجرایی آن مشخص شود و از سوی دیگر قاضی مکلف به ذکر ملاک‌های قانونی تعیین کیفر در دادنامه خود باشد.

۱-۱-۳. عدم تسری به جرائم بالفعل مشمول حبس

براساس گزارش عملکرد مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه، بیشترین آمار زندانبانان موجود در زندان‌های کشور مربوط به محکومان جرائم مواد مخدر، روان‌گردان و سرقت است (شاطری‌پور اصفهانی، ۱۳۹۷: ۹). با مراجعه به قانون مبارزه با مواد مخدر و روان‌گردان از ۲۸ عنوان مجرمانه صرفاً برای جرم سازندگان و تعبیه‌کنندگان جاساز جهت حمل مواد مخدر موضوع تبصره ماده ۳۰ قانون مجازات قانونی سه تا شش ماه حبس و برای جرم دائرکننده مکان استعمال مواد مخدر موضوع ماده ۱۴ قانون مجازات قانونی یک تا دو سال حبس پیش‌بینی شده و دیگر عناوین مجرمانه مقرر در این قانون، مجازات‌هایی بیش از دو سال تا حبس ابد پیش‌بینی شده است و اکثر جرائم قابلیت استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس از جمله خدمات عمومی رایگان را ندارند. درخصوص مرتکبان سرقت و ربودن مال غیر نیز غالب این جرائم دارای مجازات قانونی بیش از سقف پیش‌بینی شده در قانون مجازات اسلامی برای بهره‌مندی از مجازات‌های جایگزین حبس است. بنابراین نکته مهمی که در ارزیابی‌های پس از تصویب قانون مجازات اسلامی در نظر گرفته نشده است میزان و نوع جرائم ارتكابی است که در عمل در جامعه ایران رخ می‌دهد. در واقع دلخوشی قانونگذار مربوط به جرائمی است که بالقوه امکان قرار گرفتن در شمول مجازات‌های جایگزین حبس را دارند، در حالی که میزان ارتكاب جرائم مشمول مجازات‌های جایگزین در عمل درصد بسیار کمی از آمار جرائم ارتكابی در جامعه را به خود اختصاص داده است و این پیش‌بینی که با وارد کردن نهادهای نوین کیفری به نظام عدالت کیفری، سی درصد از آمار زندانبانان براساس قانون مجازات اسلامی کاهش یابد، انتظار بیهوده‌ای است (کوهی اصفهانی، ۱۳۹۸: ۲۸۱). برای تصویب قانون مناسب برای مجازات‌های اجتماع‌محور، دولت باید شناخت صحیحی از گونه

بزهکاران موجود در آن جامعه، نوع جرائم ارتكابی، آمار دقیق بزهکاری با تفکیک زمان، مکان، نوع آن و رقم سیاه بزهکاری داشته باشد، زیرا در جوامعی که تاکنون مجازات‌های سنتی و سزاگرا اعمال می‌شده است، تبدیل ناگهانی مجازات‌های سنتی نه تنها نمی‌تواند چاره‌ساز باشد، بلکه ممکن است باعث افزایش ناگهانی جرائم و تورم بزهکاری در جامعه شود (یکرنگی و ایران‌منش، ۱۳۸۷: ۹). بنابراین استفاده از مجازات‌های جایگزین حبس در رفع مشکل ازدحام زندانیان، امکان تحقق عملی ندارد و سیاست‌گذاران کیفری به جای جایگزین‌های حبس باید به فکر چاره‌اندیشی درخصوص این دو دسته از جرائم از قبیل اقدامات پیشگیرانه و بازنگری در مجازات حبس مقرر شده برای جرائم مرتبط با مواد مخدر، روان‌گردان و سرقت باشند.

علاوه بر زندانیان، الگوی جایگزینی درخصوص کاهش حبس‌های کوتاه‌مدت، عملکرد موفق‌تری نداشت. قضات قبل از پیش‌بینی مجازات‌های جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی، در برخی جرائم ملزم به تبدیل حبس‌های کوتاه‌مدت به جزای نقدی بودند و در عمل محکومیت به حبس‌های کوتاه‌مدت کم‌تر بود، اما با تأسیس جایگزین‌های خاص حبس، نظیر کیفر خدمات عمومی رایگان، قضات پس از صرف زمان برای انتخاب خدمت متناسب با شخصیت بزهکار و هماهنگی با نهادهای پذیرنده، او را جهت اعمال کیفر به بستر جامعه رهسپار می‌کنند که در صورت نقض دستور و یا ارتكاب جرم، مجدد روانه زندان خواهد شد. در نتیجه در مقایسه با شرایط قبل از تصویب الگوی جایگزینی، احتمال محکومیت به حبس‌های کوتاه‌مدت و تحمیل هزینه‌های آن بر دولت بیشتر شده است.

این عدم موفقیت را نمی‌توان به خود کیفرهای جدید نسبت داد. رویکرد خاص به این‌گونه نهادها که در اوایل صرفاً به عنوان جایگزین حبس و ابزاری برای کاهش جمعیت زندان در نظر گرفته می‌شدند، موجب عدم بهره‌وری از کیفرهای جدید شد. با تغییر رویکرد به این واکنش‌های کیفری به‌عنوان کیفر مستقل و نه به‌عنوان جایگزین حبس، این نوع از پاسخ‌های کیفری در مورد گروه خاصی از بزهکاران می‌تواند مؤثر باشد (Sanders & Senior, 1994:125).

انتخاب الگوی جایگزینی برای مجازات‌های اجتماعی مختص کشور ایران نیست. در کشور انگلستان، دستور به انجام کار عام‌المنفعه یا قرار خدمات اجتماعی در قانون عدالت کیفری ۱۹۷۲ پدیدار شد. انگلستان در این دوره زمانی بیش از هر کشوری در دنیا مدعی جایگزین‌های کیفر سالب آزادی شد. با این حال، این امر مانع از آن نشد تا دادگاه‌ها کم‌تر به کیفر حبس متوسل

۱. بند یک ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳.

شوند، زیرا آنان هیچ تدبیری را مانند «زندانی» کارساز و رهگشا و در عین حال در دسترس نمی‌دیدند. اغلب نویسندگان انگلیسی معترفند که ابداعات این دوره ذهنی و خیالی بوده و سیاست‌ها و عملکردهای تعیین مجازات، فاقد ساختارگرایی و غیر قابل پیش‌بینی بوده‌اند (Ashworth, 2010: 245). پویایی نظام حقوقی انگلستان و سعی در آزمون همه راه‌حل‌ها، به ایجاد مجازات‌های اجتماعی مستقل منجر شد. قانون عدالت کیفری ۱۹۹۱ انگلستان، با عبرت گرفتن از شکست سیاست جایگزینی حبس و عدم رغبت قضات به اصطلاح جایگزین‌های حبس، شش نوع مجازات را «مجازات اجتماعی» نامید. قانون‌گذار در کنار ابداع کیفرهای جدید، با تکیه بر تناسب شدت جرم و مجازات، ضوابط صدور هر یک از مجازات‌ها را مشخص کرد. در نتیجه رفع ابهام قانون، استقبال قضات از مجازات‌های اجتماعی بیشتر شد، اما هم‌چنان مجازات حبس در بین مردم و قضات دارای محبوبیت بود (Ashworth, 2010: 319).

۱-۲. تحولات حادث شده در فرایند تصویب قانون

با مقایسه دقیق‌تر کیفرهای نوین در لایحه مجازات‌های اجتماعی با مواد مندرج در فصل نهم از بخش دوم کتاب کلیات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، علی‌رغم شباهت‌های ظاهری و تناظر مواد در لایحه قوه قضائیه با قانون مجازات اسلامی، تغییرات محتوایی حادث شده که در عمل امکان صدور حکم به کیفرهای جایگزین حبس را محدود کرده است:

- تغییر عنوان «مجازات‌های اجتماعی» به «مجازات‌های جایگزین حبس» و حذف عبارت «بامشارکت مردم و نهادهای مردمی» که ناظر بر خصیصه اجتماعی این مجازات‌ها بود؛ در عوض ذکر مصادیق مجازات‌های جایگزین حبس و شرایط لازم برای اعمال آن‌ها در ماده ۶۴ قانون مجازات اسلامی.

- محدود کردن امکان اعمال مجازات جایگزین حبس در قانون مجازات اسلامی، با این توضیح که قانون‌گذار مجازات اسلامی، سقف جواز اعمال مجازات‌های اختیاری را یک سال تعیین کرده است؛^۱ در حالی که این سقف در لایحه مجازات‌های اجتماعی دو سال تعیین شده بود.^۲

۱. ماده ۶۷ قانون مجازات اسلامی.

۲. ماده ۴ لایحه مجازات‌های اجتماعی.

• محدودکردن امکان اعمال مجازات جایگزین حبس در ارتکاب جرائم عمدی متعدد در قانون مجازات اسلامی، با این توضیح که ارتکاب جرائم متعدد در لایحه مجازات‌های اجتماعی صرفاً در جرائم موضوع ماده ۴ (جرم‌های عمدی که حداکثر مجازات قانونی آن‌ها بیش از شش ماه تا دو سال حبس است) مشروط به اینکه مجازات قانونی حداقل یکی از جرم‌های عمدی متعدد بیش از دو سال حبس می‌بود، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس می‌شد. در قانون مجازات اسلامی به‌طور کلی ارتکاب جرائم عمدی متعدد به صرف اینکه مجازات قانونی حداقل یکی از آن‌ها بیش از شش ماه حبس باشد، مانع از صدور حکم به هر گونه مجازات جایگزین حبس اعم از اختیاری و الزامی است. بنابراین در ماده ۷۲ قانون مجازات اسلامی، کف این استثنا نسبت به لایحه مجازات‌های اجتماعی پایین آورده شده است و در مقایسه این استثنا در لایحه مجازات‌های اجتماعی، صرفاً در خصوص جرائم موضوع ماده ۴ یعنی جرائم موضوع مجازات‌های اجتماعی جایگزین اختیاری بود. در حالی که ماده ۷۲ به صرف تعدد ارتکاب جرائم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آن‌ها بیش از شش ماه حبس باشد، مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس دانسته شده است. البته قانون‌گذار در ماده ۱۲ قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، با برداشتن مانع تعدد جرم در استفاده از مجازات جایگزین به شرطی که هیچ کدام از جرائم دارای مجازات بیش از یک سال نباشد، تمایل خود را به استفاده از این مجازات نشان داده است.

• سخت‌گیری بیشتر در امکان حکم به مجازات جایگزین حبس برای مجرمین دارای سابقه کیفری، با این توضیح که در مواد ۶۶ و ۶۷ قانون مجازات اسلامی وجود سابقه کیفری مؤثر مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس تلقی شده، در حالی که ماده ۳ لایحه، مجازات جایگزین الزامی را به اختیاری تبدیل می‌کند، نه اینکه مانع کلی در صدور حکم باشد. علاوه بر این، محدودیت زمانی تأثیر سابقه محکومیت کیفری مؤثر در لایحه مجازات‌های اجتماعی متفاوت و متناسب با جرم به میزان ۲ و ۳ سال از پایان اجرای محکومیت اخیر پیش‌بینی شده بود؛ در حالی که این مدت زمان در قانون مجازات اسلامی در تمام محکومیت‌های پیشین به ۵ سال تبدیل شده است.

• به موجب ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی، تعداد ساعت‌ها و مدت خدمات عمومی افزایش زیادی داشته است. این افزایش را می‌توان حاصل رویکرد کیفرگرایی نظام حقوقی ایران و

تعارض آن با ماهیت و ساختار نهادهای نوین کیفی دانست، زیرا از یک طرف قانونگذار با افزایش میزان مجازات خدمات عمومی رایگان که اجرای آن در برخی موارد چندین سال طول می‌کشد، سعی در تشدید این پاسخ کیفی دارد و از طرف دیگر، هدف این ضمانت اجرا، پرهیز از رنج محکوم و فراهم کردن شرایط بازاجتماعی شدن است. ماده ۲۰ لایحه مجازات‌های اجتماعی جایگزین حبس، حداکثر زمان انجام خدمات عمومی را دوسال اعلام کرده بود، اما در قانون مجازات اسلامی ضمن افزایش تعداد ساعات‌های خدمت، حداکثری برای آن تعیین نشده است. با وجود اقدام مطلوب قانونگذار درخصوص کاهش زمان انجام خدمات عمومی برای شاغلان در تبصره ۱ ماده ۸۴ ق.م.ا، انجام چهار ساعت خدمت برای بسیاری از افراد در کنار شغل اصلی طاقت‌فرسا خواهد بود. اقدام ابتکاری برخی از قضات در کاهش ساعات خدمت افراد شاغل یا تعیین روزهایی خاص برای انجام آن موجب طولانی شدن دوران تحمیل مجازات خواهد شد. کاهش میزان ساعت مقرر در قانون در راستای پرهیز از رنج محکوم و فراهم آوردن شرایط بازاجتماعی شدن او، امری لازم جهت ارفاق به تمام محکومان است یا حداقل سقف مجازات برای افراد شاغل و غیرشاغل متفاوت در نظر گرفته شود.

- پیش‌بینی فرایند غیر قابل اجرای ملی که در تعارض با هدف اصلاح و بازپروری مرتکب با استفاده از جامعه محلی و ظرفیت‌های ترمیمی محلی است.^۱ بازه زمانی شش ماهه برای اعلام ظرفیت پذیرش و نوع خدمت از سوی نهادهای پذیرنده با هماهنگی فرمانداران با بالاترین مقام دستگاه مربوط در سطح ملی و اعلام نهایی آن از طرف دادستان کل کشور به دادستان محل یا رئیس دادگاه بخش، صرفاً موجب سردرگمی قضات و بی‌رغبتی نهادهای پذیرنده خواهد شد. به همین امر در نظرات قضات صادرکننده حکم اشاره شده است. به نظر مصاحبه‌شونده‌های شماره ۸ و ۱۴:

طولانی شدن مراحل باعث می‌شود که نوع و تعداد خدمت مورد نیاز دستگاه‌ها در طول زمان ثابت نماند و نیاز موردنظر جایگزین شود. پس از وصول ظرفیت مورد نیاز به قاضی، او از خدماتی که سایر همکارانش استفاده نموده و درواقع تکمیل شده است، بی‌اطلاع است. به همین خاطر ترجیح می‌دهند که بدون توجه به فرایند ملی با سرپرستان نهادهای پذیرنده به‌طور مستقیم مکاتبه و ارتباط داشته باشند.

۱. ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی.

در این خصوص اصلاح ماده ۵ آیین‌نامه اجرایی و پیش‌بینی سازوکار محلی متناسب با جمعیت شهرها پیشنهاد می‌شود.

۲. اعمال مجازات خدمات عمومی رایگان از سوی قضات

به موجب پیش‌بینی کیفرخدمات عمومی رایگان در نظام تقنینی، به قاضی به‌عنوان نهاد مستقیم بهره‌بردار، نگریده می‌شود. اهمیت وی هم از لحاظ تعداد آرای صادره در این حوزه جدید و هم از نظر کیفیت آرای صادرشده هم‌نوا با موازین حقوقی و اهداف جرم‌شناسی انکارناپذیر است.

۲-۱. بررسی آماری آرای صادره

آمار آرای صادرشده در زمینه کیفرهای نوین به دلیل عدم بیان منبع معتبر آماری قابل استناد نیست، اما پژوهش‌های صورت‌گرفته درخصوص این آرا مؤید مطالبی است که با بحث موردنظر ارتباط معنایی دارد. در پژوهشی که با تحلیل آرای صادره در زمینه مجازات‌های جایگزین حبس صادره از دادگاه‌های عمومی و تجدیدنظر استان تهران صورت گرفته است (خاکساری و غلامی، ۱۳۹۸: ۹-۴۰)، به تفکیک تعداد آرای صادره در زمینه هر یک از کیفرها پرداخته که جزای نقدی (۵۲٪)، محرومیت از خدمات اجتماعی (۱۰٪)، دوره مراقبت (۶٪)، خدمات عمومی رایگان (۳٪)، جزای نقدی روزانه (۰٪) و مابقی آرا در زمینه آزادی مشروط و نظام نیمه‌آزادی است. در پژوهش دیگر از همان نویسندگان و با تحلیل ۱۵۰ رأی صادره در زمینه مجازات‌های جایگزین حبس به همان نتایج فراوانی مجازات‌های جایگزین، اما با تکفیک موضوعی جرائم پرداخته است (خاکسار و غلامی، ۱۳۹۷: ۱۳۱-۱۵۹). در این تحقیق جرائم علیه اشخاص ۷۸ مورد، جرائم علیه اموال ۳۶ مورد، جرائم مربوط به مواد مخدر ۲۰ مورد و جرائم منافی عفت ۱۶ مورد است و جزای نقدی هم‌چنان بیشترین فراوانی در میان جایگزین‌ها دارد و خدمات عمومی رایگان و جزای نقدی روزانه هم‌چنان متروک مانده است. نکته قابل تأمل ذکرشده در این پژوهش آن است که مجازات واحد (اکثراً جزای نقدی) برای انواع مختلف جرائم استفاده شده است. ترجیح جزای نقدی نسبت به سایر مجازات‌های جایگزین حبس چند نتیجه دارد:

- قضات صادرکننده دادنامه با توجه به سهولت اجرای جزای نقدی نسبت به سایر مجازات‌های جایگزین حبس که بعضاً زیرساخت اجرایی و اجتماعی آن‌ها فراهم نشده است، از

صدور جزای نقدی که از جرائم سنتی است و دارای جنبه اجتماعی، مشابه سایر مجازات‌های جایگزین حبس نیست، استقبال می‌کنند. مصاحبه‌کننده شماره ۶ معتقد است:

سیاست‌های مسئولان دستگاه قضائی در خصوص تعیین حداقل پرونده مختومه برای شعب در هر ماه، ارزیابی عملکرد قاضی براساس تعداد پرونده مختومه و پرداخت فوق‌العاده بهره‌وری قضات براساس کاهش موجودی شعبه موجب انصراف همکاران قضائی از صدور مجازات‌هایی اجتماعی است. صدور حکم به کیفر خدمات عمومی رایگان نیاز به صرف زمان زیادی دارد و قاضی باید جنبه‌های مختلفی را جهت تناسب کیفر با شخصیت مجرم در نظر بگیرد. علاوه بر آن نیاز به هماهنگی با نهادهای پذیرنده است. با صدور حکم به جزای نقدی در ظرف پنج دقیقه این پرونده مختومه خواهد شد و همکاران در مرحله اجرا به زحمت نخواهند افتاد.

برای اجرای مجازات‌های اجتماعی نیز تخصیص شعبی از اجرای احکام کیفری به اجرای احکام مجازات‌های اجتماع‌محور بدون ارزیابی شعبه براساس تعداد پرونده‌های مختومه‌اماری ضروری است.

- استقبال قضات از جزای نقدی (به‌عنوان جایگزین سنتی حبس) به جای جزای نقدی روزانه (جایگزین نوین حبس)، به معنای بی‌توجهی قضات به نهادهای نوین جایگزین حبس و پشیمانه‌های کیفری و جرم‌شناختی آن است. درواقع محاکم، کیفرهای سنتی را بر کیفرهای نوین حتی در صورت تشابه ترجیح می‌دهند.

- تجویز مجازات واحد، صرف‌نظر از نوع جرائم، نشان‌دهنده بی‌توجهی قضات به تفاوت جرائم، فلسفه کیفرها و هدف بازدارندگی کیفرهای متفاوت است.

- استفاده از جزای نقدی به‌عنوان مجازات جایگزین حبس، در صورت عجز محکومان از پرداخت یک‌جای جزای نقدی، به حبس محکوم و عدم تحقق جایگزینی آنمنجر خواهد شد.

۲-۲. بررسی فنی آرای صادره

کیفر خدمات عمومی رایگان دارای سابقه فقهی و قانونی نبوده و در دوران تحصیلات دانشگاهی و همچنین کارآموزی قضائی به آن پرداخته نشده است. تنها منبع اطلاع‌رسانی قضات متن قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ و آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۳ است. عدم آشنایی با این کیفر موجب کاهش استفاده از آن در دادنامه‌های صادره خواهد شد، اما عدم

تسلط به جنبه‌های فنی این کیفر تنها به تعداد آرای صادره در این حوزه محدود نمی‌شود، بلکه در کیفیت این آرا نیز تأثیرگذار است. بهترین شاهد بر این موضوع آرای صادرشده در این زمینه است: با بررسی آرای صادره در خصوص خدمات عمومی رایگان به‌عنوان مجازات جایگزین حبس، می‌توان به آرای اشاره کرد که مجازات تحمیل‌شده بر محکوم با مفهوم رایج این کیفر همخوانی ندارد. برای مثال در دادنامه‌ای، با اتهام حمل و نگهداری مشروبات الکلی، شخص را به معدوم کردن مشروبات و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر قیمت کالای مکشوفه و تحمل شش ماه حبس محکوم و سپس در خصوص حبس تعیین‌شده به استناد ماده ۶۸ قانون مجازات اسلامی، مرتکب را به تهیه و اهدای صد عدد درخت دنولیکس به ارزش دوازده میلیون ریال به شهرداری بندرعباس به منظور ایجاد کمربند سبز در راستای برنامه‌های پیشگیری از گسترش حاشیه‌نشینی در شهر بندرعباس محکوم کرده است.^۱

در خصوص این دادنامه ذکر چند نکته لازم است: ۱. با توجه به مرزی بودن شهر بندرعباس و طبیعی بودن میزان بالای جرائم اکتشافی با موضوع قاچاق در این منطقه جغرافیایی، صدور جایگزین‌های حبس در این پرونده‌ها بسیار ضروری است. درواقع درنظر داشتن هنجارهای فرهنگی حاکم بر محل وقوع جرم و استناد به این هنجارها در جهت کاهش میزان کیفر را می‌توان از جمله الگوهای رویه‌ای در تعیین کیفر دانست (محسنی و رحیمیان، ۱۳۹۸: ۷۰). این واقعیت قضائی که به «عدالت کیفری جغرافیایی» مشهور شده است تا اندازه زیادی ناشی از فرهنگ‌های متفاوت قضات دادگاه‌هاست که ناشی از انتظارات فرهنگ جغرافیایی است (مهر، ۱۳۸۶: ۹۱)؛ ۲. با وجود عدم تصریح قانونگذار به مفهوم «خدمات عمومی رایگان» اما قدر متیقن این اصطلاح، اعمالی است که هم برای نهادپذیرنده رایگان باشد و هم متضمن پرداخت مابه‌ازا برای محکوم نباشد و نفعی به کلیت جامعه برساند، در حالی که خدمت تعیین‌شده در این دادنامه هزینه مالی برای محکوم دارد و با اصطلاح رایگان بودن مغایر است. درواقع فلسفه خدمات عمومی رایگان، ارائه خدمت به جامعه و عدم صرف مستقیم هزینه‌های مادی از سوی مرتکب است (Kalsomines, 2014: 478)؛ ۳. با توجه به اینکه جرم ارتكابی عمدی بوده است، استناد به ماده ۶۸ ق.م.انادرست است؛ ۴. نکته قابل تأمل دیگر در خصوص آرای مشابه این شعبه در خصوص قاچاق کالا است که بدون در نظر گرفتن تناسب بین جرم ارتكابی و خدمت تعیین‌شده و بدون دخیل کردن شخصیت

۱. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۶۱۲۴۰۱۱۷۱ مورخ ۱۳۹۶/۵/۲۲، شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان بندرعباس.

مجرم در انتخاب خدمت، به صورت رویه، خدمات مالی با عناوین «تهیه و اهدای لوازم موردنیاز به منظور ایجاد کمر بند سبز»^۱ به عنوان عنوان کیفر خدمات عمومی رایگان صادر کرده است. در واقع بیش از آنکه در صدور رأی، تناسب جرم با کیفر و تناسب آن با شخصیت مرتکب جهت اصلاح و فردی سازی مجازات معیار قرار گیرد، تهیه تجهیزات برای ایجاد کمر بند سبز برای پیشگیری از گسترش حاشیه نشینی در شهر اولویت قرار گرفته و کیفر تعیین شده ابزاری جهت تأمین مالی پروژه یادشده در آن شهرستان است.

در دادنامه ای دیگر، مرتکب بزه تصرف عدوانی اراضی ملی به تحمل سه ماه حبس محکوم و سپس کیفر حبس به دلیل فقدان سابقه کیفری، کهولت و بیماری او به «درخت کاری به میزان هزار متر مربع» جایگزین می شود. کیفر خدمات عمومی رایگان، کیفری است که بزهکار حضور فعال دارد و در نظر گرفتن شرایط او در تعیین خدمت مناسب ضروری است. در خصوص مرتکب این جرم با توجه به شرایط جسمی، تعیین کیفر خدمات عمومی رایگان محل تردید است، اما قاضی محترم از آن هم فراتر رفته و مرتکب را به درخت کاری که نیاز به نیروی جسمانی دارد، محکوم کرده است. حکم صادرشده از همان ابتدای صدور، به علت شرایط محکوم قابلیت اجرا ندارد و حبس اجرا خواهد شد. علاوه بر آن، بر اساس مجازات قانونی جرم تصرف عدوانی، مدت خدمات عمومی رایگان به موجب بند «پ» ماده ۸۴ ق.م.ا، ۵۴۰ تا ۱۰۸۰ ساعت است که دادگاه بدون توجه به این ماده، محکوم را به درخت کاری هزار متر مربع ملزم کرده است که معلوم نیست به چه میزان زمان نیاز دارد. به نظر می رسد مراد قانونگذار از قید «ساعت» در تعیین خدمت عمومی رایگان، تأکید بر استمرار خدمت در طول زمان است و صدور آرای نظیر «نصب تابلوی راهنمایی و رانندگی» واجد وصف یادشده نیست.

در دادنامه ای، متهم به بی احتیاطی در رانندگی منجر به صدمه بدنی غیر عمدی در خصوص جنبه عمومی جرم، بدون اینکه مجازات اصلی تعیین شود، مستقیماً به ده ساعت خدمت عمومی

۱. دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۶۱۲۵۰۰۲۴۹، مورخ ۱۳۹۶/۵/۳۱، شعبه دوم دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان بندرعباس؛ دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۶۱۲۴۰۱۲۴۹، مورخ ۱۳۹۶/۵/۲۵، شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان بندرعباس؛ دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۶۱۲۴۰۱۱۶۴، مورخ ۱۳۹۶/۵/۲۱، شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان بندرعباس؛ دادنامه شماره ۹۶۰۹۹۷۷۶۱۲۴۰۱۲۴۸، مورخ ۱۳۹۶/۵/۲۵، شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان بندرعباس.

۲. دادنامه ۹۵۰۹۹۷۴۴۹۷۵۰۱۸۸۸، مورخ ۱۳۹۵/۱۰/۱۵، شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان سلماس.

در دبیرستان محل تحصیل محکوم شده و سپس اجرای کیفر خدمات عمومی رایگان به مدت دو سال معلق شده است؛^۱ ۱. در این دادنامه بدون رعایت ماده ۷۰ ق.م.ا در ارتباط با کیفرهای جایگزین، مستقیماً خدمات عمومی رایگان مورد حکم واقع شده است؛^۲ ۲. به نوع خدمتی که محکوم باید در دبیرستان انجام دهد اشاره‌ای نشده است؛^۳ ۳. مرجع مجری و ناظر خدمت تعیین شده نامشخص است؛^۴ ۴. تناسبی بین جرم ارتكابی و کیفر تعیین شده دیده نمی‌شود؛^۵ ۵. ده ساعت خدمت انتخاب شده در محل تحصیل، با توجه به سن مرتکب (شانزده سال) نه تنها اثر اصلاحی و بازدارندگی نداشته، بلکه سبب شهرت او در بین دانش‌آموزان و محیط مدرسه و برچسب مجرمانه به او می‌شود؛^۶ ۶. در نهایت اینکه تعلیق اجرای مجازات جایگزین حبس در قانون پیشینی نشده و با فلسفه جایگزین‌های حبس که دغدغه اصلاح و تربیت دارد، مغایر است. در مجموع ناآشنایی قضات با نهادهای نوین کیفری از جمله کیفر خدمات عمومی رایگان گاهی ناشی از حجم کاری زیاد و برگزار نشدن دوره‌های آموزشی کافی و در مواردی به علت کم‌توجهی قضات به مفاد و مفاهیم قانونی است (میرخلیلی و یعقوبی، ۱۳۹۶: ۱۱۷). یکی از ضرورت‌های راهگشا جهت رفع ابهام قضات، تبیین مفاهیم «خدمت عمومی» و «خدمت رایگان» توسط وزارتخانه کشور و دادگستری به‌عنوان تهیه‌کنندگان آیین‌نامه ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی است. منظور از خدمت عمومی خدمتی است که منفعت آن برای جامعه باشد. بنابراین تعیین امری نظیر شرکت در دوره آموزشی و یا مطالعه فلان کتاب، نفعی همگانی برای جامعه ندارد و تعیین آن به‌عنوان خدمت عمومی خلاف مفهوم آن است. در خصوص خدمت رایگان نیز قدر متیقن آن است که خدمت تعیین شده بدون هزینه کردن از سوی نهادپذیرنده و محکوم باشد. صدور آرای که بار مالی برای محکوم دارد، علاوه بر تعارض با مفهوم رایگان بودن، بیشتر جنبه جزای نقدی دارد و محکوم بدون تلاش برای خدمت‌رسانی به جامعه، با هزینه کردن از تحمل حبس رهایی می‌یابد. صدور نظریه‌های مشورتی و آرای وحدت رویه می‌تواند راهنمای قضات در موارد اختلافی باشد.

۳. بستر اجرایی کیفر خدمات عمومی رایگان پس از تصویب قانون مجازات اسلامی

یکی از تفاوت‌های اجرایی کیفر خدمات عمومی رایگان که از نظر مقنن به دور مانده و در سیاست جنایی به آن توجه نشده است، مسئله «توسعه شبکه کیفری» در این کیفر است؛ به این معنا که در

۱. دادنامه ۲۶/۲۰۸۰۲۹۷۹۹۶۰۹۶۰ مورخ ۱۳۹۶/۹/۲۹، شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان رباط‌کریم.

این کیفر مانند کیفرهای سنتی نظیر حبس، شلاق یا جزای نقدی شخص محکوم پس از تحمل مجازات از حوزه اقتدار دستگاه قضائی و دیگر دستگاه‌های نظارتی خارج نشده، بلکه قرار است پس از صدور حکم، محکوم‌علیه در بستر جامعه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام کیفری و سایر مجریان مجازات‌های اجتماع‌محور در نهادهای پذیرنده به ارائه خدمت بپردازد. برخی از این ویژگی کیفرهای اجتماعی به‌عنوان ویژگی منفی یاد می‌کنند، چون محکوم با دلایلی همچون کنترل خطر جرم و حمایت از عموم افراد، تحت نظارت قرار می‌گیرد و با اجرای مجازات‌های یادشده، تعداد افرادی که تحت کنترل رسمی عدالت کیفری قرار می‌گیرند و همچنین مدت زمان نظارت و کنترل رسمی افزایش می‌یابد (یکرنگی و ایرانمنش، ۱۳۸۷: ۹۹). در مقابل برخی دیگر با دید مثبت به پدیده «توسعه شبکه کیفری» نظر دارند و معتقدند با توسعه نظارت، از بی‌توجهی در تعقیب و پیگیری جرائم خرد و فراموش کردن جبران خسارت بزه‌دیدگان این جرائم جلوگیری می‌شود. علاوه بر آن به سبب حجم کار قضات و عدم امکان حضور مستمر آن‌ها در جامعه در هنگام اجرای مجازات‌های اجتماعی، برخی از وظایف آن‌ها به متصدیان غیرقضائی و نهادهای مردمی واگذار خواهد شد و موجب مشارکتی شدن اجرای مجازات خواهد شد (رایجیان اصلی، ۱۳۸۵: ۵۲۱). با پیدایش مجازات‌های اجتماع‌محور و انتقال بستر اجرای مجازات از دستگاه قضا به متن جامعه و در میان شهروندان، اقتضانات این فرایند نیز دچار دگرگونی شده است.

خدمات عمومی رایگان آمیزه‌ای از مجازات و بازپروری است، که در کنار هم موجبات بازسازی مجرم از طریق اجرای منظم و همراه با مسئولیت یک خدمت رایگان با ایجاد تضمین لازم برای ترمیم اجتماعی را فراهم می‌کند (آشوری، ۱۳۹۴: ۳۱۶). لازمه چنین بازسازی، وجود یک نهاد قضائی است که به صورت اختصاصی اجرای کیفرهای جامعه‌محور به خصوص خدمات عمومی رایگان را برعهده داشته باشد. اجرای صحیح کیفر خدمات عمومی رایگان با رعایت تمام جنبه‌های فنی آن، نیازمند حضور قضات باتجربه و متخصص در زمینه مجازات‌های اجتماع‌محور است. متأسفانه در کشور، قضات جوان که بعضاً هیچ‌گونه سابقه کار قضائی ندارند، در آن مشغول به فعالیت هستند؛ در حالی که در بُعد اجرایی، می‌توان از حضور قضات بازنشسته و تجربه آن‌ها در اداره شعب اختصاصی اجرای مجازات‌های اجتماعی استفاده کرد. این نهاد قضائیه نیروی کار کافی جهت نظارت دقیق بر اجرا و مشاوره و همراهی محکومان در طول انجام خدمت عمومی نیاز دارد.

۱-۳. نظارت بر اجرا

بیشترین تمرکز سیاست جنایی جمهوری اسلامی ایران در فرایند کیفری، دکترین حقوق کیفری و رویه قضائی بر تشخیص عنوان مجرمانه و انتساب عمل به فرد است، در حالی که مرحله نهایی و

اثرگذار فرایند کیفری، اجرای مجازات است که علاوه بر اجرای مجازات، نظارت بر اجرای صحیح مجازات‌ها و ارزیابی اجرای مجازات از نظر اهداف مورد نظر را شامل می‌شود (مهرا و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۰۸). وظیفه اصلی نظارت بر محکومان به خدمات عمومی رایگان بر عهده قاضی اجرای احکام است. مقرراتی در قانون مجازات اسلامی وضع شده است که لازمه آن اطلاع قاضی از وضعیت محکوم است.^۱ تشخیص تعذر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورها در جریان اجرای حکم در راستای تبدیل مجازات جایگزین حبس به مجازات حبس، پیشنهاد تشدید، تخفیف، تبدیل یا توقف موقت مجازات با توجه به وضعیت محکوم و شرایط و آثار اجرای حکم به دادگاه صادرکننده رأی، برعهده قاضی اجرای احکام است. بررسی وضعیت محکومی که به‌عنوان نیروی کار به نهاد پذیرنده معرفی می‌شود، ثبات وضعیت جسمی و روحی وی جهت ارائه خدمت در طول مدت محکومیت و آثار اجرای مجازات، علاوه بر تسلط به قواعد حقوقی به آشنایی با قواعد نهادهای پذیرنده، به اصولی از روان‌شناسی و مددکاری اجتماعی نیاز دارد تا امکان تعامل دستگاه قضائی با نهادهای پذیرنده و محکومان و همچنین نظارت بر آن‌ها فراهم باشد. واقعیت آن است که حجم زیاد پرونده‌های ورودی، محدودیت زمانی، کمبود نیروی قضائی و فراهم نبودن وسایل لازم جهت نظارت مستقیم قاضی بر اجرای کیفر در محل حقیقی آن، موجب شده که قضات در شعب اجرای احکام حضور داشته باشند. در این میان، نیاز به حضور افرادی وجود دارد که ضمن آموزش و تخصص کامل در زمینه مقررات خدمات عمومی رایگان به‌عنوان واسطه و نیروی میدانی نهادهای پذیرنده و قضات اجرای احکام عمل کرده و گزارش‌های خود را به‌طور مستمر به قضات اجرای احکام ارائه دهند. مأموران مراقبتی، ارکان نظارتی مورد نیاز قضات اجرا هستند. این نیاز نیز به همان مسئله توسعه شبکه کیفری باز می‌گردد که در مجازات‌های اجتماع‌محور، فرد در تمام طول مدت اجرای مجازات، تحت نظارت مأموران نظارتی باید قرار گیرد. مصاحبه‌شونده شماره ۲۳ بیان داشت: «اجرا کردن خدمات عمومی رایگان از سایر احکام سخت‌تر است. قانون مجازات اسلامی به لزوم حضور مددکار اجتماعی و مأمور مراقب تصریح دارد، اما در عمل چه کسی بر اجرای کیفر نظارت دارد؟ قاضی اجرا که فرصت و وسیله خارج شدن از شعبه برای نظارت را ندارد». روند قانونگذاری در این زمینه حالت نزولی داشته و نشان از عدم اهمیت قانون‌گذار به بُعد اجرایی این کیفر و صرفاً به‌عنوان ابزاری برای کاهش جمعیت زندانیان است. ماده ۱۱ لایحه مجازات‌های اجتماعی، به تخصیص شعبی از اجرای احکام به شعب

۱. مواد ۷۰ و ۷۷ قانون مجازات اسلامی.

تخصصی اجرای احکام مجازات‌های اجتماعی جایگزین زندان پرداخته، اما قانون مجازات اسلامی به این موضوع هیچ اشاره‌ای نکرده و تنها در قسمت پایانی ماده ۷۷ ق.م.ا به تعداد لازم مددکار اجتماعی و مأمور مراقبت اشاره کرده است. به موجب تبصره ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ ق.م.ا، قاضی اجرای احکام نسخه‌ای از رونوشت معرفی‌نامه محکوم را به منظور نظارت بر رفتار محکوم به حراست نهاد پذیرنده ارسال می‌کند. این نظارت اگرچه لازم است، اما کافی نیست؛ زیرا در همه اقسام خدمات عمومی رایگان امکان حضور نیروهای حراست وجود ندارد و محکوم همواره مجازات خود را در فضای نهاد پذیرنده سپری نمی‌کند. بنابراین مقررۀ یادشده علی‌رغم ضروری بودن، اما کامل نیست و می‌توان از حضور ضابطان عام و خاص (مأموران مراقبتی آموزش‌دیده) به منظور نظارت بر محکومان استفاده کرد. ماده ۹ آیین‌نامه مذکور، وظیفه نظارت بر محکوم را به نهاد پذیرنده واگذار کرده، بدون آنکه برای نهاد گفته‌شده در صورت عدم انجام وظیفه، ضمانت‌اجرائی تعیین کند. از سوییاز نظر تشکیلات اداری، مقام قضائی به عنوان مقام مافوق نهاد پذیرنده نیست تا کارکنان این نهاد ملزم به تبعیت از دستورات مقام قضائی باشند و از سوی دیگر با تفسیر مضیق قوانین کیفری، وظیفه نظارت، مصداق جلوگیری از اجرای احکام یا اوامر مقامات قضائی نیست تا مشمول ماده ۵۷۶ ق.م.ا شود. نظارت مستمر بر محکوم‌علیه در مدت محکومیت و اختیار دادگاه بر صدور دستوراتی ضمن صدور حکم در راستای اجرای کیفر، منجر می‌شود که کیفر خدمات عمومی رایگان در جهت تحقق هدف اصلاح و بازپروری مجرم حرکت کند. تحقق نظارت صحیح بر محکوم، علاوه بر فراهم کردن بسترهای اجرایی، به دقت بودن مقررات قانونی در تشخیص شخصیت بزهکار نیاز دارد تا ضمن اجتناب از عبارت‌های کلی با شفاف‌سازی ملاک‌های فردی کردن مجازات‌های اجتماعی، قضات را در تأمین هدف اصلاح و بازپروری محکومان یاری دهند. به نظر می‌رسد با توجه به شرایط کنونی اجرایی، در صورتی که رؤسا یا سرپرستان نهادهای پذیرنده به‌عنوان ضابط خاص معرفی شوند، خلأهایی مانند بیمه کردن محکوم، اعلام ظرفیت، نظارت صحیح بر اجرای حکم فراهم خواهد شد. در بسیاری از موارد فرد خارج از نهاد پذیرنده و بدون وجود حراست و ضابطان خاص نهادهای پذیرنده موضوع خدمت عمومی را انجام می‌دهد. به نظر می‌رسد اطلاع دادن به مأموران انتظامی از اجرای خدمت در حوزه استحفاظی خود جهت نظارت بر محکومان و تحقیقات احتمالی می‌تواند مؤثر باشد. بنابراین اصلاح تبصره ماده ۸ آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ ق.م.ا با اضافه کردن «نیروی انتظامی حوزه‌ای که فرد دوره محکومیت خود را در آن سپری می‌کند» لازم است.

۳-۲. همراهی و هدایت محکومان

هر محکوم یک شخص منحصر به فرد با ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری متفاوت است که مرتکب جرم متفاوتی شده و از ارتکاب جرم انگیزه‌های مختلفی داشته است. کیفر خدمات عمومی رایگان به خوبی مرکز تلاقی یافته‌های حقوقی و جرم‌شناسی است. از یک سو با فردی روبه‌رو هستیم که هنجارهای مورد حمایت جامعه را از طریق ارتکاب جرم شکسته و حاکمیت به دنبال اعمال ضمانت اجرای کیفری است، اما جرم ارتكابی دارای آن‌چنان شدتی نیست که محکوم استحقاق کیفرهای کلاسیک نظام عدالت کیفری را داشته باشد. از سوی دیگر محکوم با رضایت خود، ترمیم نقض هنجار صورت گرفته را با ارائه خدمات به نفع جامعه برعهده گرفته است. در این میان که کیفر از دوران عدالت کیفری سنتی که الگوی ممتاز مجازات در آن کفاره و تاوان است به عدالتی نوآورانه که مجازات مبتنی بر رابطه‌ای متقابل و نزدیک به عدالت مدنی است، روی آورده، حضور نیروی انسانی آشنا با علوم رفتاری و اجتماعی برای همکاری با محکوم جهت بازپروری مجدد او لازم است (حاجی تبارفیروزجانی، ۱۳۸۷: ۷۱۲-۷۲۲). مددکاران اجتماعی تحت مدیریت قاضی اجرا و به‌عنوان ارکان ارشادی فعالیت می‌کنند. همان‌طور که مأموران مراقبتی به‌عنوان ارکان نظارتی قاضی اجرا در مرحله اجرای کیفر حضور فعال دارند، مددکاران اجتماعی بایستی امکان تعامل با محکوم، خانواده محکوم، سازمان‌های مردم‌نهاد و نیروهای داوطلب را فراهم آورند. تأمین منابع مالی برای تربیت نیروهای متخصص خواه مأموران مراقبتی و خواه مددکاران اجتماعی باید در هنگام تصویب قانون، پیش‌بینی می‌شود. علاوه بر تأمین مالی جهت آموزش و تربیت نیروی انسانی، تأمین دستمزد این افراد نیز باید در نظر گرفته شود. عدم تخصیص بودجه برای استخدام و به‌کارگیری متخصصان غیرقضائی برای اعمال مجازات خدمات عمومی رایگان، معضلی است که در عمل اجرای این کیفر را به دلیل نبود نیروی کار متخصص با مشکل مواجه می‌کند و موجب انصراف قضات از صدور چنین آرای می‌شود. کیفر خدمات عمومی رایگان مانند پازلی است که هر یک از قطعاتش بدون حضور قطعه دیگر طرح کاملی را به نمایش نمی‌گذارد و بدون فراهم بودن بسترهای اجرایی، امکان بهره‌برداری مناسب از این ظرفیت قانونی وجود ندارد.

۴. مشارکت سهامداران کیفر

در عدالت کیفری سنتی، عدالت با احراز مجرمیت بزه‌کار و اجرای کیفر تحقق می‌یافت، اما در عدالت ترمیمی هدف بازسازی روابط اجتماعی بزه‌کار و بزه‌دیده و جامعه محلی است. کیفر خدمات عمومی رایگان با توجه به اهداف و مبانی آن، نیازمند مشارکت و سرمایه اجتماعی هر سه

گروه بزهکاران، مجریان کیفر و اعضای جامعه است (زینالی، ۱۳۸۷: ۴۴-۵۰). یکی از عواملی که در فرایند انتقال سیاست‌های کنترل جرم به حقوق کیفری ایران مورد بی‌توجهی واقع شده است، فراهم نبودن بسترهای فرهنگی و اجتماعی جامعه ایران در پذیرش این سیاست‌هاست و مشارکت و اعتماد اجتماعی از جمله بسترهای اولیه اعمال این کیفرها محسوب می‌شوند (زینالی، ۱۳۸۷: ۳۴).

۱-۴. مشارکت بزهکاران

یکی از ویژگی‌های مهم سیاست جنایی اسلام در حوزه سیاست جنایی مشارکتی، اعتماد به ایمان مذهبی مجرم و قابلیت خوداصلاحی اوست و به همکاری مجرم در مرحله اثبات جرم و همچنین اجرای مجازات توجه دارد. توبه مجرم در برخی از جرائم، کسب رضایت زیان‌دیده از جرم، جبران خسارت ناشی از جرم، انتخاب نوع مجازات که در مواردی به خود مجرم داده شده از جمله حق انتخاب نوع دیه کامل، حق قبول یا رد پرداخت دیه و توافق بر مبلغی کم‌تر یا بیشتر از دیه به جای قصاص، نشان از مشارکت مجرم در کیفر در سیاست جنایی اسلام است (حسینی، ۱۳۹۴: ۲۰۴-۲۱۶). یکی از تفاوت‌های کیفر خدمات عمومی رایگان آن است که بزهکار از فردی منفعل در محکومیتش به فردی فعال تبدیل می‌شود. بدون رضایت صریح متهم نمی‌توان به خدمات عام‌المنفعه حکم داد، بلکه با رضایت آن را می‌پذیرد. او آگاهانه و بر پایه قرارداد، متعهد به انجام کاری مفید می‌شود و با این کار خسارتی را که او با تخطی از قانون به جامعه وارد کرده است، جبران می‌کند. اجتماع باید به چنین درخواستی پاسخ دهد و به محکوم امکان انجام چنین تعهدی را بدهد. بدین ترتیب، اجتماع به دومین طرف فعال قرارداد اجرای مجازات کیفری یعنی خدمات عام‌المنفعه تبدیل می‌شود. از مفاد قانون مبنی بر ضرورت اخذ رضایت از محکوم،^۱ برداشت می‌شود که تشریح خدمت موردنظر، نهاد پذیرنده و ساعات انجام آن برای محکوم ضروری است، زیرا هر کدام از این عوامل می‌تواند بر تصمیم وی در پذیرش یا عدم پذیرش خدمات عمومی رایگان اثرگذار باشد. نقش مجرم در کیفر خدمات عمومی رایگان صرفاً به اعلام رضایت محکوم به این کیفر در مرحله صدور حکم محدود نمی‌شود، بلکه نقش مهم‌تر مربوط به مشارکت در اجرای حکم است. در این نوع کیفر، مرتکب بدون دریافت دستمزد به حکم دادگاه به نفع جامعه، خدماتی را انجام می‌دهد. بنابراین انجام کیفر تعیین‌شده دو حالت دارد: انجام کیفر از سوی محکوم بدون همکاری و صرفاً برای پرکردن میزان ساعات محکومیت است و یا اینکه او احساس

۱. ماده ۸۴ قانون مجازات اسلامی.

تعلق و یکی بودن با نهاد پذیرنده در خدمت‌رسانی به جامعه دارد. در شهرهای کوچک‌تر به سبب شناسایی شدن فرد توسط مردم محلی و ترس از تشهیر، خود شخص محکوم تمایلی به پذیرش این کیفر ندارد. به گفته مصاحبه‌کننده‌های شماره ۵ و ۳۲ «اجتماع، آمادگی پذیرش محکوم در بستر جامعه را ندارد و مجازات خدمات عمومی رایگان در شهرهای کوچک به سبب تشهیر، موجب تشدید مجازات است».

بیمه نبودن محکوم به خدمات عمومی در صورت بروز حادثه، از دغدغه‌های محکوم و خانواده وی در طول جریان خدمت است. فرد محکوم و مشغول به کار در نهاد پذیرنده، مانند سایر کارکنان در معرض آسیب‌های احتمالی ناشی از کار قرار دارد. اگرچه ماده ۱۳ آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی، اجرای کیفر خدمات عمومی رایگان را منوط به رعایت قوانین و مقررات در خصوص شرایط کار زنان و نوجوانان، محافظت فنی، بهداشتی، ایمنی و ضوابط کارهای سخت و زیان‌آور کرده است، اما در خصوص مسئولیت نهادهای پذیرنده به بیمه کردن، تعیین مرجع پرداخت خسارت و ضمانت اجرایی آن صحبتی نکرده است. برخی نویسندگان، پذیرش مسئولیت توأمان برای نهاد پذیرنده و مقام قضائی مجری حکم پیش از وقوع حادثه به منظور پیش‌بینی ترتیبات جبران خسارت و جلوگیری از متضرر شدن نهاد پذیرنده را پیشنهاد داده‌اند؛ بدین صورت که مسئولیت بیمه کردن را از وظایف نهاد پذیرنده و انجام امور مقدماتی و اطمینان از صحت آن را برعهده مقام قضائی مرتبط می‌دانند (مؤذن‌زادگان و متین‌پارسا، ۱۴۰۰: ۳۶۵-۳۶۷).

۲-۴. مشارکت مجریان کیفر

مجازات خدمات عمومی رایگان به‌عنوان بارزترین نمونه کیفرهای اجتماع‌محور در ادبیات حقوقی ایران، ضمانت اجرایی است که وصف عمده آن اجتماعی بودن است و همانند فرایند کاربست رویه‌های عدالت ترمیمی «سهام‌داران»^۱ اجرای این پاسخ کیفری چندنهادی است (کوره‌پز، ۱۴۰۰: ۹۵). نقش قضات در مجازات خدمات عمومی رایگان، تنها به مرحله صدور حکم محدود نمی‌شود، بلکه پس از صدور حکم قطعی مبنی بر انجام خدمات عمومی رایگان، قاضی اجرای احکام، محکوم را به نهاد پذیرنده معرفی و بر نحوه اجرای حکمش نظارت می‌کند. مقام قضائی بدون مشارکت نهادهای پذیرنده در اجرای این کیفر ناقص است و فراهم کردن بستر تعامل دادگستری و نهادهای پذیرنده ضروری است.

۱-۲-۴. قضات

یکی از مشخصه‌های مشارکت و تمایل قضات به صدور کیفرهای حبس و با استفاده از کیفرهای جایگزین، نگرش قضائی است. چنانچه نگرش قضائی مبتنی بر بی‌فایده بودن کیفر حبس باشد و قاضی براساس آموخته‌های علمی و تجارب قضائی، نگرشی اعتدالی نسبت به کیفر حبس داشته باشد یا با نگرشی جامعه‌شناختی نسبت به پدیده جنایی، ارتکاب جرم را ناشی از بی‌عدالتی‌های اجتماعی، اقتصادی و توزیع ناعادلانه ثروت یا فاصله طبقاتی در جامعه تلقی کند، طبیعی است که تلاش می‌کند براساس نگرش خود، نسبت به تعلیق اجرای کیفر حبس یا تعیین جایگزین‌های حبس اقدام کند و با استفاده از اختیارات قضائی، مدت زمان حبس را کاهش دهد (محسنی و رحیمیان، ۱۳۹۸: ۷۳). مطالعات جرم‌شناختی، واقعیت اجتماعی و انسانی جرم را برای کسانی بیان می‌کند که قرار است به‌عنوان کنشگران درونی و بیرونی نظام عدالت کیفری، برای مقابله با مظاهر مختلف بزهکاری سیاست‌گذاری و اقدام کنند (پیکا، ترجمه نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۳: ۱۹). این مطالعات به دلیل اهمیت ندادن مسئولان مربوط نسبت به ضرورت آموزش‌های جرم‌شناختی و تراکم شدید کار قضائی و شاید فراهم نبودن امکان مطالعات جرم‌شناختی برای قضات درکاهش جمعیت کیفری مورد استفاده واقع نشده است (میرخلیلی و یعقوبی، ۱۳۹۶: ۱۱۷). از منظر جامعه‌شناسی قضات درگیر با نهادهای نوین کیفری دارای دو گونه بینش نسبت به نهادهای نوین هستند: از یک‌سو به عقیده برخی قضات، نهادهایی از سنخ خدمات عمومی رایگان اساساً مجازات نبوده و با ویژگی سزادهی کیفر هم‌خوانی ندارد و تمایلی به استفاده از چنین مجازات‌هایی نیز ندارند (ناظرزاده کرمانی و امامی غفاری، ۱۳۹۳: ۱۷۱ - ۱۷۲). به نظر مصاحبه‌شونده شماره ۸: «بنده با اعمال مجازات‌های اجتماعی خیلی موافق نیستم؛ چون هدف از اعمال مجازات بازدارندگی است. مجازات اجتماعی، محکوم را از ارتکاب جرم منصرف نمی‌کند». از سوی دیگر گروهی از قضات با وجود آگاهی از یافته‌های جرم‌شناسی و کیفرشناسی نهادهای کیفری نوین و تمایل به استفاده از این مجازات‌ها، به دلیل بازخوردهای رسمی و غیررسمی درون سازمانی، از گام برداشتن در این حیطة خودداری و یا در کم‌ترین سطح ممکن از چنین ابزاری استفاده می‌کنند، درواقع با اعتقاد به چیرگی رویکرد تنبیهی - کیفری بر دستگاه قضا تمایل خود را برای صدور محکومیت به چنین مجازات‌هایی از دست می‌دهند (محسنی و رحیمیان، ۱۳۹۸: ۷۰). به اعتقاد مصاحبه‌شونده شماره ۱۵: «بنده با وجود صدور حکم به مجازات جایگزین حبس و اطلاع از تبعات کیفر حبس در خصوص جرائم سبک، به علت برخورد سایر همکاران قضائی، دادستان و دادسرای انتظامی قضات با قضات موافق با مجازات‌های اجتماعی و

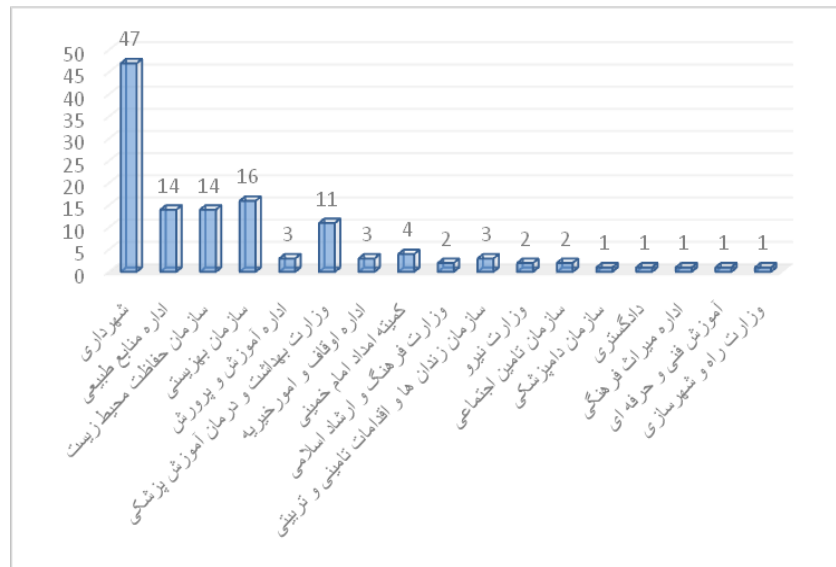
عدم ارتقای پست‌های قضائی به طور محدود حکم می‌دهم». برگزاری جشنواره آرای قضائی با محوریت مجازات‌های جایگزین حبس و تقدیر از آرای نمونه منطبق با قانون و داده‌های جرم‌شناسی از سوی معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم از سال ۱۳۹۷ تاکنون گامی مؤثر در راستای تشویق قضات فعال و تغییر بیش به این قضات از سوی قوه قضائیه بوده است. ضرورت آموزش و توجیه قضات در این حوزه انکارناپذیر است. از طریق آموزش و کارگاه‌ها برای قضات ثابت شود که مجازات خدمات عمومی رایگان چندوجهی است و اهداف کیفر از قبیل تنبیهی، ترمیمی، بازپروری و دفاع اجتماع تأمین می‌شود. البته در کنار ضرورت آموزش مبانی، نیاز به فرهنگ‌سازی است. بخشی از این فرهنگ‌سازی به مقنن بازمی‌گردد. در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ از میان ۲۲۸ مقررهای که در آن مجازات تعیین شده، در ۲۱۳ مورد مجازات حبس پیش‌بینی شده است و تنها خلاقیت قانون‌گذار در پاسخ‌دهی به آن‌ها گوناگونی کیفرها نیست؛ بلکه در تعیین حداقل و حداکثر قانونی مدت حبس بر مبنای شدت آسیب جرم ارتكابی و ارزش مورد حمایت است (غلامی و افضلیان، ۱۳۸۹: ۱۵۰). بنابراین نظام معانی ذهنی قضات در خصوص مجازات زندان و جمعیت کیفری زندان‌ها از چنان اهمیتی برخوردار است که بی‌توجهی به آن می‌تواند حتی به شکست سیاست جنایی یک کشور بینجامد (قماشی و همکاران، ۱۳۹۷: ۳۵).

۲-۲-۴. نهادهای پذیرنده

اگرچه توجه قضات به مهارت‌های شغلی و شخصی بزه‌کار در تعیین نوع خدمت نیز تأثیرگذار است، اما تقاضای صورت‌گرفته از سوی نهادهای پذیرنده و صلاحیت سازمان مذکور در انتخاب نوع خدمت، تعیین‌کننده است. در خصوص پذیرش نهادهای پذیرنده، صرف وجود قانون و آیین‌نامه و تهدید از سوی مقامات عالی قضائی راهگشا نخواهد بود، چنان‌که مکاتبات صورت‌گرفته بین دادستانی کل کشور و هیئت دولت و اعطای مهلت جهت همکاری نهادهای اجرایی مؤثر واقع نشد (کوره‌پز، ۱۴۰۰: ۱۲۵-۱۲۶). مشارکت نهادهای پذیرنده به پذیرش محکومان به دو عامل اطلاع و اعتماد بستگی دارد. از یک سو نهادهای پذیرنده از آیین‌نامه اجرایی ماده ۷۹ قانون مجازات اسلامی، وظایف خود، وضعیت بیمه و سایر مزایای حقوق کار محکومان، جرائم و محکومان مشمول این خدمات اطلاعی ندارند و محکومان به خدمات عمومی رایگان در چارت سازمانی این مؤسسات تعریف نشده‌اند. گفته مصاحبه‌شونده شماره ۳ مؤید این مطلب است: «در پاسخ اعلام گرفته‌شده از نهادهای پذیرنده در خصوص اعلام ظرفیت و خدمات موردنیاز، تعدادی از

نهادها اعلام کردند که از قانون و آیین نامه اجرایی آن اطلاعی ندارند و ابلاغی از سوی دولت انجام نشده است». از سوی دیگر مسئولان و کارکنان نهادهای پذیرنده به دلایل مقطعی بودن حضور محکومان به انجام خدمات عمومی در نهادهای پذیرنده و عدم امکان برنامه ریزی های بلندمدت کارکنان مشاغل درخصوص آنها (محمدیان پهنوار، ۱۳۹۶: ۱۳۵)، عدم انگیزه برخی محکومان نسبت به خدمت تحمیل شده در نهاد پذیرنده، عدم تناسب مهارت ها و روحیات شخص با خدمت تعیین شده برای وی و عدم توجیه اقتصادی و سازمانی آموزش موقت محکوم، بینش منفی نسبت به محکومان و ضرورت رعایت مسائل امنیتی و حفاظتی درخصوص محکومان، آنها را قابل مقایسه با نیروی کار عادی نمی دانند و به آنها اعتماد ندارند. مصاحبه شونده شماره ۳۱ معتقد است: «در اکثر معرفی نامه های صورت گرفته از سوی دادگستری صرفاً نام شخص محکوم، محل انجام خدمت و انجام خدمات عمومی رایگان درج می شود؛ بدون آنکه نوع خدمت و تخصص او قید شده باشد. ما هم او را برای انجام کارهای خدماتی می فرستیم». این عقیده بیانگر عدم تمایل نهادهای پذیرنده در به کارگیری محکومان در امور تخصصی است. از سوی دیگر نوع خدمت عمومی توسط نهاد پذیرنده انتخاب می شود و نهاد پذیرنده به جای قاضی صادرکننده حکم عمل می کند.

پیش بینی الزام های مربوط به صلاحیت سازمان های پذیرای محکومان به پذیرش محکومان خدمات عمومی رایگان، این سازمان ها را به این رویکرد سوق می دهد که کارهایی را در حاشیه فعالیت اصلی سازمان یا مؤسسه ایجاد کنند. با تعریف محکومان به خدمات عمومی رایگان در چارت سازمانی نهادهای پذیرنده و پیش بینی امتیازهایی از قبیل همکاری دادستان با نهادها و یا معافیت های مالیاتی کارکنانش می توان تقاضای صورت گرفته از سوی نهادهای پذیرنده را افزایش داد. با بررسی نهادهای پذیرنده و ماهیت خدمات تعیین شده در ۲۰ رأی گردآوری شده با همکاری معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، در زمینه کیفر خدمات عمومی رایگان نمودارهای زیر به دست می آید:



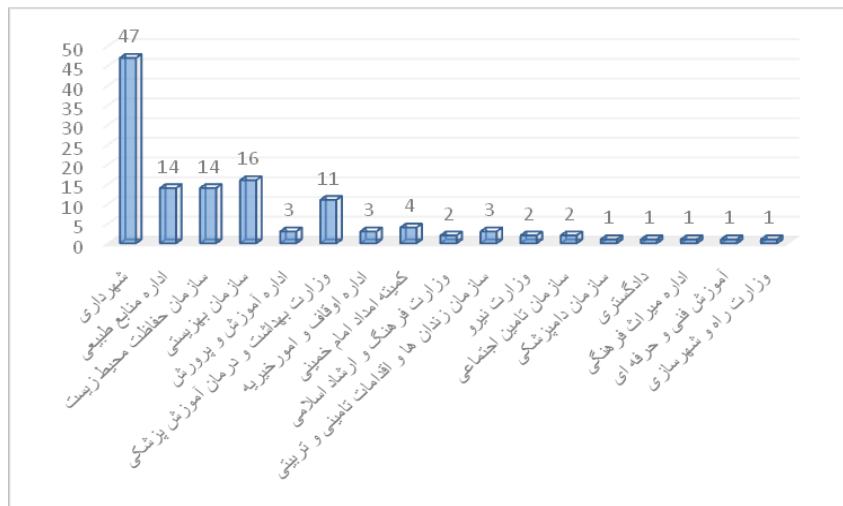
نمودار ۱. فراوانی مربوط به نهادهای پذیرنده

بیشترین مشارکت از سوی نهادهای پذیرنده مربوط به شهرداری^۱ و بیشترین نوع خدمت تعیین شده مربوط به امور خدماتی^۲ است. این آمار علاوه بر اثبات رابطه مستقیم بین نهاد پذیرنده و خدمت تعیین شده، بیانگر هشدار از سوء استفاده شهرداری‌ها از نیروی کار رایگان پیش‌بینی شده در این کیفر است. شهرداری بدون احساس ضرورت آموزش و ارتقای مهارت محکومان، با تحمیل کارهای خدماتی نازل از این ظرفیت قانونی بدون دغدغه اصلاح و بازپروری محکوم بهره

۱. در خصوص تفاوت مجموع دادنامه‌ها با تعداد نهادهای پذیرنده لازم به توضیح است، که در برخی آرا (۹۶۰۹۹۷۴۴۹۷۵۰۱۵۱۹ مورخ ۹۶/۲/۲۶ شعبه ۱۰۳ کیفری ۲ سلماس، ۹۶۰۹۹۷۴۴۹۷۵۰۱۵۰۹ مورخ ۹۶/۶/۲۵ شعبه ۱۰۳ کیفری ۲ سلماس، ۹۶۰۹۹۷۴۴۹۷۵۰۱۴۷۵ مورخ ۹۶/۶/۱۵ شعبه ۱۰۳ کیفری دو سلماس و ۹۶۰۹۹۷۲۲۹۰۸۰۱۳۰۸ مورخ ۹۶/۶/۲۸ شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری دو شهرستان رباط کریم) قاضی محترم، چند نهاد پذیرنده برای انجام خدمات عمومی رایگان در نظر گرفته است.

۲. در خصوص تفاوت مجموع دادنامه‌ها با مجموع خدمات عمومی رایگان لازم به توضیح است که در یکی از آرا به مشخصات ۹۶۰۹۹۷۴۴۹۷۵۰۱۹۹۷ مورخ ۹۶/۴/۸، شعبه ۱۰۳ کیفری ۲ سلماس به دو نوع خدمت متفاوت حکم داده است.

می‌برد؛ در حالی که کیفیت خدمات عمومی رایگان یک فرصت مناسب جهت استفاده از قابلیت شغلی و تخصص محکومان است و در نهادهایی همچون آموزش فنی و حرفه‌ای، محکومان بدون تخصص فرصت مناسبی برای کسب مهارت پیدا می‌کنند. استفاده از تخصص پزشکان و پرستارانی که مرتکب قصور پزشکی شده‌اند، نمونه خوبی از آرای صادره در حوزه خدمات عمومی رایگان است.



نمودار ۲. فراوانی مربوط به نوع خدمت عمومی رایگان

انتظار می‌رود با استفاده از تجربه چند ساله از اجرای کیفیت خدمات عمومی رایگان و عدم رغبت و آشنایی نهادهای پذیرنده، آیین‌نامه‌ای جامع در خصوص تعیین تکلیف بیمه محکومان، انتخاب رؤسا و سرپرستان نهادهای پذیرنده به‌عنوان ضابط خاص و الزام به پاسخ‌گویی و نظارت در مقابل مقام قضائی با تعیین ضمانت اجراء، الزام نهادهای پذیرنده در به‌کارگیری محکومان به همراه پیش‌بینی طرح‌های تشویقی و معافیت برای مؤسسات فعال در به‌کارگیری محکومان و پیش‌بینی سازوکار محلی هماهنگی بین نهادها و دادگستری تنظیم شود و پس از ارسال به نهادهای مجری، نشست‌های توجیهی برای کارکنان و سرپرستان نهادهای پذیرنده برگزار و حداقل چند مددکار اجتماعی به این مؤسسات در به‌کارگیری محکومان خدمات عمومی رایگان اختصاص داده شود.

۳-۴. مشارکت اجتماع

مجازات خدمات عمومی رایگان به دنبال ایجاد و تقویت هم‌بستگی اجتماعی از طریق نزدیک کردن شهروندان قانون‌شکن به شهروندان قانون‌مدار است (ساکی، ۱۳۹۴: ۴۰). در جامعه‌ای که مردم هم‌بستگی اجتماعی بیشتری با هم داشته باشند، میزان جرم و جنایت نیز کم‌تر خواهد بود و دلیل این امر نظارت افراد جامعه بر رفتار فرد بزهکار است (قماش‌ی و آقاعلیان، ۱۳۹۴: ۳۵).

مشارکت مردم و نهادهای مردمی در اجرای کیفر خدمات عمومی رایگان یکی از مهم‌ترین ارکان سیاست جنایی مشارکتی این کیفر است. با توجه به غلبه روحیه سزاگرایی بر عدالت‌ترمیمی در کشور ایران مجازات‌های اجتماع‌محور در ابتدا مورد قبول واقع نخواهند شد و اگر خود بزه‌دیده واقع شوند، اعمال این تدابیر را بزه‌دیدگی مضاعف نسبت به خود تلقی می‌کنند (یک‌رنگی و ایرانمنش، ۱۳۸۷: ۱۰۳). وضعیت کنونی اجرای این کیفر بدون نظارت قضائی و رها کردن محکوم در نهادپذیرنده بدون هیچ‌گونه تکلیف قانونی برای آن نهاد، مؤید پذیرش این طرز تلقی است. بی‌اعتمادی مردم جامعه نسبت به این قبیل مجازات‌ها مختص جامعه ایرانی نیست و حتی در نظام‌های حقوقی که کیفرهای اجتماع‌محور را به جای زندان پذیرفته‌اند، افکار عمومی حامی ضمانت‌اجراهای سنگین همچون پادگان اصلاحی - تربیتی یا ضمانت‌اجراهای بازپرداختی بوده و از ضمانت‌اجراهای خفیف کم‌تر حمایت می‌کنند (تونزی، ترجمه صدیق‌فر، ۱۳۸۷: ۱۹۸). توجه اغلب مردم به نتیجه دادرسی معطوف است و آن را با انتظارات خود می‌سنجند. به اعتقاد مصاحبه‌شونده شماره ۲۱: «عطش انتقام‌جویی در کیفر خدمات عمومی رایگان برطرف نمی‌شود. خانواده مقتولی که فرزند آن‌ها در نتیجه بی‌احتیاطی در تصادف و یا در زمان جراحی کشته شده است، این کیفر را نمی‌پذیرند و درصدد انتقام‌جویی برمی‌آیند». کیفرگرایی عمومی مردم (محمودی جانکی و مرادی‌حسن‌آبادی، ۱۳۹۰: ۱۸۱ - ۱۸۲۱) و بی‌اعتمادی به دستگاه قضا به سبب مجازات نشدن مرتکب، موجب می‌شود که قاضی موارد استفاده از آن را محدود کند و نهادهای پذیرنده تمایلی به پذیرش محکومان نداشته باشند. تأثیر عدم همراهی اجتماع در پذیرش و اجرای کیفر خدمات عمومی رایگان به بزهکار نیز تسری می‌یابد؛ با این توضیح که جهت بازاجتماعی شدن محکوم، باید فضایی ایجاد کرد که پذیرش محکوم به جامعه فراهم شد. تعیین کیفر خدمات عمومی رایگان با پذیرش شخص محکوم صورت می‌گیرد و محکوم قبول می‌کند که در قبال جرم ارتکاب‌یافته در بستر جامعه و در مقابل مردم به ارائه خدمت بپردازد. در این مسیر اگر بزه‌دیده، عموم مردم و نهاد پذیرنده به جای پذیرش این کیفر به هویت منفی او تأکید کنند، نه تنها موجب اصلاح وی نخواهند شد، بلکه با القای شخصیت مجرمانه موجب تثبیت این هویت منفی در

محکوم خواهند شد و هدف مجازات‌های جامعه‌مدار به‌طور وارونه عملی خواهد شد. جامعه به فرهنگ‌سازی درخصوص نیاز کنونی سیاست جنایی به عدالت ترمیمی نیاز دارد. مجموعه‌نمایشی «محکومین» که در سی قسمت ۴۵ دقیقه‌ای در زمستان ۱۳۹۶ و فصل دوم آن با عنوان «سرگذشت» در زمستان ۱۳۹۸ از شبکه یک سیما پخش شد، در راستای فرهنگ‌سازی مجازات‌های جایگزین حبس و ازجمله خدمات عمومی رایگان هدف‌گذاری شده است. انتظار می‌رود با فعالیت بیشتر رسانه‌ها و اطلاع‌رسانی عمومی، سطحی از مقبولیت اجتماعی شکل گیرد.

نتیجه

سیاست جنایی تقنینی ایران درخصوص مقررات کیفر خدمات عمومی رایگان، بدون آنکه اهداف واقعی را در نظام کیفری محقق سازد، با انتخاب الگوی جایگزینی به‌منظور کاهش جمعیت کیفری زندانیان، جنبه‌های نمادین آن را وارد نظام حقوقی کرده و محتوای متوقع را برآورده نکرده است. از یک سو با افزایش شرایط و استثنائات و محدود کردن جرائم مشمول، هدف اصلاح و بازپروری مجرمان اصلاح‌پذیر که شخصیت مجرمانه ندارند و تحت‌تأثیر هیجان‌ات زمان و مکان مرتکب جرم شده‌اند، تأمین نکرده و از سوی دیگر بدون توجه به جرائم واقعی منجر به حبس در جامعه و در برگرفتن حبس‌های کوتاه‌مدت که تا قبل از تصویب قانون جدید ملزم به جزای نقدی بود، در دستیابی به هدف کاهش جمعیت کیفری زندانیان توفیقی نیافته است. انتخاب الگوی جایگزینی حبس برای کیفرهای نوین در جامعه سزاکرای ایران و ارزیابی عملکرد قضات بر اساس پرونده‌های مختومه، تمایل قضات به صدور رأی با عنوان کیفر خدمات عمومی رایگان را به حداقل رسانده است.

بررسی آرای صادرشده در این حوزه، بهترین شاهد بر ضرورت آموزش اهداف و نکات فنی این کیفر به قضات و برطرف کردن خلأهای قانونی با توجه به این تجربه ده ساله است. علاوه بر تعریف مفهوم دقیق کیفر خدمات عمومی رایگان، صرف ارائه الگوی کلی جهت حکم به مجازات‌های جایگزین حبس در ماده ۶۴ ق.م.ا.کافی نیست، بلکه باید از یک سو به‌طور صریح و دقیق تکلیف قاضی صادرکننده در چگونگی احراز شخصیت و تناسب کیفر با شرایط جسمی و مهارتی محکوم و بستر اجرایی آن مشخص شود و از سوی دیگر قاضی مکلف به ذکر ملاک‌های قانونی تعیین کیفر در دادنامه خود باشد.

با فاصله گرفتن کیفر از دوران عدالت کیفری سنتی و روی آوردن به مجازات‌های نوین اجتماعی، مرزهای اجرای کیفر به خارج از دادگستری انتقال یافته است و قاضی اختصاصی

اجراکننده حکم به مأموران مراقبتی ناظر برای اطمینان از کیفیت خدمت ارائه شده و به مددکار اجتماعی برای تعامل با محکوم و بازسازی شخصیت او نیاز دارد؛ موضوعی که در سیر قانونگذاری روند نزولی داشته و از سوی دولت بودجه‌ای برای آموزش و استخدام نیروی انسانی تخصیص داده نشده است. اجرای کیفر خدمات عمومی رایگان علاوه بر نیروی انسانی، به حضور فعال شخص محکوم، تمایل نهادهای پذیرنده، مشارکت قضات صادرکننده دادنامه و اعتماد افراد جامعه نیاز دارد. ترس محکوم از شناسایی شدن توسط مردم محلی، بیمه نبودن محکوم در طول مدت خدمت، طرز نگرش قضائی، بازخوردهای رسمی و غیررسمی توسط دادگاه‌های عالی و مسئولان قضائی، اطلاع‌رسانی در مورد قانون و آیین‌نامه اجرایی آن برای نهادهای پذیرنده، تعیین تکلیف وضعیت بیمه و سایر مزایای حقوق محکومان، الزام به صلاحیت سازمان‌های پذیرای محکومان به پذیرش محکومان خدمات عمومی رایگان، فرهنگ‌سازی و اطلاع‌رسانی عمومی در خصوص کارکردهای کیفر خدمات عمومی رایگان و اصلاح تفکر بی‌کیفرماندن محکوم در افزایش مشارکت همه سهامداران کیفر خدمات عمومی رایگان نقش بسزایی دارد.

منابع

الف) منابع فارسی

- آشوری، محمد (۱۳۹۴)، جایگزین‌های زندان یا مجازات‌های بینابین، تهران: گرایش.
- برگ، اتوکلاين (۱۳۶۸)، روان‌شناسی اجتماعی، ترجمه علی محمد کاردان، جلد دوم، تهران: اندیشه.
- بریوتیت، جان (۱۳۸۵)، «عدالت ترمیمی»، ترجمه مهرداد رایجیان اصلی، مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۳.
- پیکا، ژرژ (۱۳۹۳)، جرم‌شناسی، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
- توجهی، عبدالعلی و ابراهیم زارع (۱۳۹۸)، «سابقه محکومیت کیفری به‌عنوان جلوه‌ای از حالت خطرناک و کاربست آن در مجازات‌های جایگزین حبس»، آموزه‌های حقوق کیفری، دوره ۱۶، شماره ۱۷.
- تونزی، مایکل (۱۳۸۷)، «کیفرهای اجتماع‌محور در ایالات متحده آمریکا»، ترجمه مینا صدیق‌فر، مجله حقوقی دادگستری، دوره ۷۲، شماره ۶۴.
- حاجی‌تبار فیروزجایی، حسن (۱۳۸۷)، «جایگاه جایگزین‌های حبس در نظام عدالت کیفری ایران (حال و آینده)»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴.
- حاجی‌تبار فیروزجایی، حسن (۱۳۹۵)، «بسترهای اثربخشی عملی مجازات‌های اجتماعی»، در دایره المعارف علوم جنایی (مجموعه مقاله‌های تازه‌های علوم جنایی)، کتاب دوم، زیر نظر: علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: میزان.
- حسینی، سید محمد (۱۳۹۴)، سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
- خاکساری، داوود و حسین غلامی (۱۳۹۷)، «سیاست جنایی قضایی ایران در رابطه با مجازات‌های جایگزین حبس»، مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی، دوره ۶، شماره ۱۱.
- خاکساری، داوود و حسین غلامی (۱۳۹۸)، «عوامل مؤثر بر صدور مجازات‌های جایگزین حبس»، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۷، شماره ۲۶.
- زینالی، امیرحمزه (۱۳۸۷)، «سرمایه اجتماعی: بستری برای اعمال کیفرهای اجتماع‌محور در ایران»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴.
- ساکی، محمدرضا (۱۳۹۴)، مجازات‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، تهران: جنگل.
- شاطری‌پور اصفهانی، شهید (۱۳۹۷)، مجازات حبس و امکان حکم به جایگزین‌های حبس در قوانین کیفری جمهوری اسلامی ایران، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- شمس‌ناتری، محمدابراهیم و جواد ریاحی (۱۳۹۱)، «ارزیابی مجازات‌های اجتماعی مندرج در لایحه مجازات اسلامی در پرتو الگوی جایگزینی»، مجله حقوق اسلامی، دوره ۹، شماره ۳۳.
- غلامی، حسین و مینا افضلیان (۱۳۸۹)، «رویکرد کیفرشناختی به مبانی و کیفیت توزیع مجازات‌ها در کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی»، فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم، شماره ۱۶.
- فرجیها، محمد (۱۳۸۷)، «چالش‌های ارزیابی کیفرهای اجتماع‌محور»، مجله حقوقی دادگستری، شماره ۶۴.

- قماش، سعید، داریوش بوستانی و حسین پورمحمی آبادی (۱۳۹۷)، «سیطره حبس‌گرایی و رؤیای حبس‌زدایی در سیاست کیفری ایران (مطالعه موردی حوزه قضائی شهر کرمان)»، **پژوهش‌نامه حقوق کیفری**، سال نهم، شماره ۱.
- قماش، سعید و زهرا آقاعلیان (۱۳۹۴)، **سرمایه اجتماعی و پیشگیری از جرم**، تهران: مجد.
- کوره‌پز، حسین محمد (۱۴۰۰)، **موانع کاربست مجازات خدمات عمومی رایگان در نظام حقوقی ایران**، تهران: مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضائیه.
- کوهی اصفهانی، کاظم (۱۳۹۸)، **نقل و انتقال سیاست‌های کنترل جرم؛ با تأکید بر امکان بومی‌سازی این سیاست‌ها در سیاست جنایی ایران**، رساله دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس.
- محسنی، فرید و رضا رحیمیان (۱۳۹۸)، «از کیفرگذاری تقنینی تا کیفرگزینی قضائی؛ مدل‌ها و معیارها (با تأکید بر رویه قضائی ایران)»، **مجله حقوقی دادگستری**، دوره ۸۳، شماره ۱۰۷.
- محمدیان پهنوار، یوسف (۱۳۹۶)، **تحلیل کیفرشناختی خدمات عمومی رایگان در نظام حقوقی ایران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناختی، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس.
- محمودی‌جانکی، فیروز و محسن مرادی حسن‌آبادی (۱۳۹۰)، «افکار عمومی و کیفرگرایی»، **مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز**، دوره ۳، شماره ۲.
- منصورآبادی، عباس و سلمان کونانی (۱۳۸۹)، «بستر مجازات‌های جامعه‌مدار؛ با تأکید بر رویکرد سیاست جنایی ایران»، **فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم**، دوره ۵، شماره ۱۵.
- مؤذن‌زادگان، حسنعلی و محمد متین‌پارسا (۱۴۰۰)، «چالش‌های تقنینی اجرای خدمات عمومی رایگان از منظر قضات»، **مجله حقوقی دادگستری**، دوره ۸۵، شماره ۱۱۴.
- مهرا، نسرین (۱۳۸۶)، «کیفر و چگونگی تعیین آن در فرایند کیفری انگلستان (با تکیه بر کارکردهای کیفر)»، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۴۵.
- مهرا، نسرین، مجید قورچی‌بیگی و عباس مؤذن (۱۳۹۶)، «تحلیل تطبیقی الگوهای کیفردهی در نظام کیفری ایران و انگلستان»، **پژوهش حقوق کیفری**، سال ششم، شماره ۲۰.
- میرخلیلی، سید محمود و تقی یعقوبی (۱۳۹۶)، «بررسی عوامل قضائی افزایش جمعیت کیفری زندان‌ها»، **مجله راهبرد**، دوره ۲۶، شماره ۸۲.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۷)، «کیفرهای جامعه‌مدار»، **دیباچه در: بولک، برنار، کیفرشناسی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: مجد.
- یکرنگی، محمد و مهدی ایرانمنش (۱۳۸۷)، «کیفرهای اجتماع‌محور: از نظریه تا عمل (با تأکید بر پیش‌نیازهای اعمال کیفرهای اجتماع‌محور در ایران)»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۶۴.

ب) منابع انگلیسی

- Ashworth, A. (2010), **Sentencing and Criminal Justice**, Fifth edition, Cambridge University press.
- Brownlee, I. (1998), **Community Punishment: A Critical Introduction**, First edition, London: Longman.
- Kalsomines, Sh. (2014), “The Introduction of Community Service Orders: mapping its conditions of possibility”, **The Howard Journal of Crime and Justice**, Vol. 53, Issue 5.
- Liebling, Alison & Maruna, Shadd (2011), **The Effects of Imprisonment**, First edition, Taylor & Francis Ltd.
- Sanders, A., & Paul Senior (1994), **Jarvis Probation Service Manual**, Fifth edition, Sheffield: PAVIC publications.

